



بهترین قصه‌های تاریخی تهران جایزه می‌گیرد

صفحه «روایت تهران» که پیش روی شماست، از این پس به انعکاس روایت‌های خواندنی تاریخ قدیم و سرگذشت شخصیت‌ها و نامداران، خیابان‌ها و گذرها، واقعه‌های تأثیرگذار و تاریخ شفاهی طهران تعلق خواهد داشت؛ با عکس‌های بازمانده از خاطرات تهران دیروز و قصه‌ها و ماجراهای پس‌پشت این عکس‌ها شما می‌توانید در انتشار این صفحه که متعلق به خود شما و شهر شماست ما را همراهی کنید. «همشهری» بهترین عکس‌ها و قصه‌هایی را که برای ما ارسال می‌کنید با نام خودتان منتشر و به شما «همشهریان همراه» هدیه‌ای تقدیم می‌کند. نشانی و شماره تماس ما: mahaleh@hamshahri.org - ۴۴۴-۲۳۲۴۵۵

نان ماشینی اولین بار اینجا پخته شد

حکایت نخستین سیلوی پایتخت

مریم قاسمی
روزنامه‌نگار

سیلوی بزرگ تهران که حالا نمادی شناخته شده برای پایتخت است و در منطقه ۱۶ قرار دارد، در روزگاری نه چندان دور یکی از مهم‌ترین عوامل بالا رفتن کیفیت گندم، آرد و در نهایت نان مصرفی مردم بود. گندم‌هایی که از مزارع سراسر کشور برداشت می‌شد، ابتدا به این سیلوی می‌آمد تا دوره‌ای ۳ ماهه را سپری کند و آماده تبدیل شدن به آرد شود. هر چند بعد از سیلوی تهران، ۶ سیلوی دیگر در نقاط مختلف کشور ساخته شد، اما فقط سیلوی تهران جزو میراث فرهنگی محسوب می‌شود. پس از انقراض حکومت قاجارها، سیلوی تهران ساخته شد تا سر یال قطعی‌های پایتخت تکرار نشود. سیلوی ساخته شد و مردم بسیار خوشحال شدند از اینکه حاشیه‌های امنیتی برای نان سفره‌شان ایجاد شده است. اما در تاریخ سوم شهریور سال ۱۳۲۰ اتفاق ناگوار رخ داد. بعد از آنکه متفقین ایران را اشغال کردند، برای ۵ سال تهیه نان با عذاب همراه بود، اما

پس از خروج متفقین، ارتش تصمیم گرفت نان سیلوی را در اختیار مردم بگذارد. از همان زمان تولید نان به وسیله ماشین در کارخانه سیلوی آغاز شد و الحاق که نان سیلوی بسیار ارزان و خوشمزه بود. نان سیلوی حجیم و مغز آن بسیار پوک بود و با برش دادن، خورده می‌شد. این نان به علت داشتن سیبوس زیاد، قدری تیره بود و در ۲ اندازه تقریباً نیم کیلویی و ۲۵۰ گرمی و به صورت قالبی پخته می‌شد و در کارتهای مخصوص عرضه می‌شد و برای دسترسی به آن، در مناطق شلوغ و پررفت و آمد دکه‌هایی از سوی ارتش تعبیه شده بود و بدون واسطه نان در اختیار مردم قرار می‌گرفت. جالب آنکه تا سال‌های ۱۳۵۵ نیز نان در سیلوی پخته می‌شد.



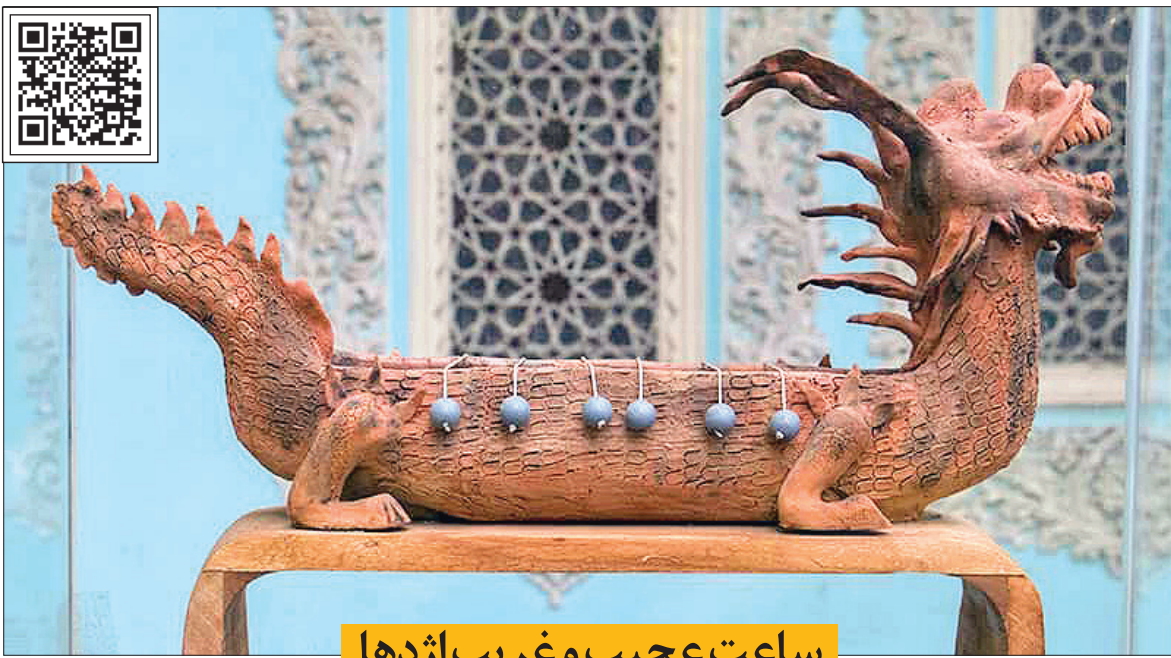
این روایت تهران را با اسکن این کیو آر کد ببینید.



چنار ۹۰۰ ساله

امامزاده شعبیه (ع) کاشته‌اند و چوبش وقف امامزاده است. به گفته نور قربان شهریور ماه سال ۱۳۹۹ از سوی شهرداری در فراخوانی از مردم و شورایاران هر محله خواسته شد درخت نمادین و شاخص محله‌شان را معرفی کنند تا پس از دوری از سوی یک تیم کارشناسی، برگزیدگان در «هفته تهران» معرفی و تقدیر شوند. درخت قدیمی در محله امامزاده «شعبیه» (ع) به عنوان درخت شاخص این محله معرفی شد که در نهایت در هفته تهران، درخت چنار امامزاده شعبیه (ع) از نظر زیبایی و قدمت برگزیده شد. در گذشته درخت چنار برای اهالی روستا از حرمت خاصی برخوردار بود. برای همین در نزدیکی امامزاده‌ها و حسینیه‌های محله کن درختان چنار بی شماری دیده می‌شود. چوب این درختان برای اهالی کاربرد زیادی داشت و صاحبش شاخ و برگ آن را می‌برد و می‌فروخت.

توموند و استوار سال‌هاست که در نزدیکی امامزاده شعبیه (ع) قد برافراشته است و همچنان سسایه مهرنانش را بر سر رهگذران می‌گستراند. درخت چنار ۹۰۰ ساله این امامزاده یکی از کهن‌ترین چنارهای پایتخت است. امین نور قربان از فعالان فرهنگی محله کن که سال‌هاست در حوزه تاریخ شفاهی این محله تحقیق می‌کند می‌گوید: «دهه‌ها درخت کهنسال در کن وجود دارد که بر اساس آنچه از تاریخ شفاهی برمی‌آید، چند صدسال قدمت دارند. در این میان درخت چناری که در نزدیکی امامزاده شعبیه (ع) رشد کرده است یکی از جاذبه‌های گردشگری این محله تاریخی است. درختی توموند که قدیمی‌های محله عمر آن را تا ۹۰۰ سال هم تخمین زده‌اند. نقل قول‌های زیادی درباره این چنار وجود دارد. مثلاً برخی می‌گویند این چنار را به نیت



ساعت عجیب و غریب ازدها

ساعتی که در نگاه اول هیچ شباهتی به ساعت‌های رایج ندارد و طرز کار آن شگفت‌انگیز است. قایق ازدها یک ساعت سوختنی است که چینی‌ها از آن برای اندازه‌گیری زمان استفاده می‌کردند. ظاهر این ساعت، به قایق‌هایی که در نقاشی‌های چینی دیده‌اید شباهت دارد. چینی‌ها در این ساعت، شمعی خوابیده در میانه قایق و نیز وزنه‌هایی با فواصل معین در راستای قایق قرار داده‌اند تا به این وسیله زمان را اندازه‌گیری کنند. در طول یک شبانه‌روز وقتی شمع می‌سوزد، به تدریج ریسمان‌هایی که وزنه به آنها متصل بود هم می‌سوزند. پس از سوختن ریسمان‌ها، وزنه‌های متصل به آن در ظرفی فلزی که زیر قایق قرار داده می‌شد می‌افتادند. معیار تشخیص زمان هم تعداد وزنه‌هایی بود که به کف قایق سقوط می‌کردند و صدای دنگ‌دنگ آنها خبر از تغییر زمان می‌داد.

شبهه تونل زمان است؛ تونلی که باز دیدکنندگان را به صداها و حتی هزاران سال پیش می‌برد و به وقتی که خبری از ساعت‌های دیجیتال نبود و انسان‌ها با ابزارهای ابتدایی زمان را اندازه‌گیری می‌کردند. موزه تماشاگاه زمان برای علاقه‌مندان به ساعت پر از شگفتی است؛ از ساعت‌های مچی و مکانیکی تا ساعت کشتی و حتی ساعت‌هایی که روزگاری به چهره‌های برجسته و مشهور تعلق داشتند. در این موزه، ساعت‌های منحصر به فرد بسیاری هم وجود دارد؛ ساعت‌هایی که آگاهی از پیشینه، طراحی و چگونگی طرز کار آن کنجگویی برانگیز است. یکی از این ساعت‌های قدیمی که از نمادهای موزه تماشاگاه زمان به شمار می‌رود، ساعتی عجیب و غریب به نام «قایق ازدها» است.



«عشرت آباد» در قاب نقاش چیره‌دست

که هر کدام از خانه‌ها، محل زندگی یکی از همسران ناصرالدین‌شاه قاجار بود. وقتی ناصرالدین شاه کاخ عشرت آباد را بر اساس طراحی و معماری ایرانی بنا کرد، دستور داد تا در کنار آن حوض گرد بزرگی ساخته شود. دور تا دور این حوض هم ۳۰ خانه کوچک که هر کدام ۲ اتاق داشتند، ساخته شد تا در هر خانه یکی از زنان شاه زندگی کند. بعد از مرگ ناصرالدین شاه اما باغ و عمارت عشرت آباد کم‌کم متروک شد و مورد استفاده مظفرالدین شاه قرار نگرفت. در دوران محمدعلی شاه و بعد از آن احمدشاه هم چندان مورد اقبال پادشاهان قاجار نبود. عمارت عشرت آباد در واقع تفرجگاه و اقامتگاه بیلاقی شاه قاجار بود که اکنون هم در گذر از بزرگراه شهید صیاد شیرازی کمی بالاتر از میدان سپاه قابل دیدن است. تابلوی نقاشی محمود صبا از این عمارت را هم می‌توانید در موزه کاخ گلستان ببینید.

«محمود صبا» یکی از نقاشان چیره‌دست دوران قاجار بود. او نقاشی‌های منحصر به فرد خود را با امضای «بنده درگاه محمود» می‌کشید. اینجا تابلوی معروف این نقاش ماهر را که از عمارت عشرت آباد به تصویر کشیده، ببینید. محمود صبا علاقه خاصی به نقاشی کاخ‌های تهران داشت؛ تا جایی که اکنون ۱۲۷ اثر از ششدها او شامل نقاشی‌های آبرنگ، رنگ و روغن، قلمدان و... در کاخ گلستان نگهداری می‌شود. نقاشی‌های او مجموعه‌ای دیدنی برای افرادی به شمار می‌رود که علاوه بر هنر نقاشی به معماری عمارت‌ها و کاخ‌های تهران عهد قاجار علاقه دارند. محمود صبا در این تابلو، نمایی از عمارت عشرت آباد تهران را کشیده است؛ عمارتی با ۳۰ خانه کوچک در اطراف یک حوض مرکزی



ساخت مسجد گیاهی در مخالفت با طرح رضاخانی

از طرف رضاشاه را اینگونه تعریف می‌کند: «بزرگان فامیل به آقاجان می‌گفتند با رضاشاه مخالفت نکن! اما مخالفت او ادامه داشت تا اینکه ماجرای شهریور ۱۳۲۰ و تغییر سلطنت پیش آمد. پهلوی اول به جزیره مورس تبعید شد و پهلوی دوم سر کار آمد. در فاصله این تغییر و تحولات حاج مرتضی از فرصت استفاده کرد و مسجدی در ۱۰۰ هکتار زمین که آن موقع برای جلوگیری از دست‌اندازی و غضب درباریان وقف کرده بود ساخت. «مرحوم حاج مرتضی گیاهی تا سال‌ها خودش خادمی این مسجد را بر عهده داشت. یک ساعت قبل از اذان صبح در مسجد از باز می‌کرد تا اگر کسی بخواهد نماز شب بخواند به مسجد بیاید و غالباً در مسجد بیشتر روز باز بود. این مسجد در سال ۱۳۲۲ در میدان تجریش ساخته شده و اکنون ۷۸ ساله است.

زمانی که چشم رضاشاه به باغ‌های باصفای میدان تجریش می‌افتد تصمیم می‌گیرد که کباب‌های برای خوشگذرانی و تفریح افرادی بسازد که به بل تجریش می‌آیند، برای همین دستور می‌دهد تا باغ بزرگ ضلع شمال غربی میدان تجریش را به هر قیمتی از صاحبش مرحوم حاج «مرتضی گیاهی» بخرند تا این نقشه را عملی کند اما نتوانست و جای آن مسجدی بنا شد. مرحوم گیاهی بزرگ شده کوچ‌چهره‌های شمیران بود. روبروی مسجد سعید یزالی کنار پدرش عطاری می‌کرد و بنر گل می‌فروخت. به همین دلیل وقتی پهلوی اول گرفتن سجل (شناسنامه) را اجباری کرد، نام فامیلی‌شان را به خاطر شغلی که داشتند، گیاهی گذاشتند. «علیرضا گیاهی» داستان تحت فشار بودن پدر بزرگش

این روایت تهران را با اسکن این کیو آر کد ببینید.



این روایت تهران را با اسکن این کیو آر کد ببینید.

